

اولاً قارئین محترم بدانند که هیچ حشو و زوائد دروغ در این سرگذشت نیست، مرحوم ناصرالدین شاه نسبت به من آن مرحمت‌های فوق تصور که به من داشتند لازمه نمک‌شناسی من اینست که از او تعریف (و) تمجیدها بنویسم ولی خداوند را شاهد می‌گیرم (که) هیچ اغراق ننویسم و نص حدیث را بیان نمایم؛ چون خیلی اشخاص چه در زمان خود ناصرالدین شاه (و) چه بعد، احوالاتی از آن نوشته‌اند، بعضی‌ها را هم من دیده (و) خوانده‌ام ولی به خدای متعال، اغلبش دروغ (است) و غرض رانی کرده‌اند و هیچ بیان واقع نیست، چنانچه از اجزای مرحوم ناصرالدین شاه که هیچ در امورات سیاسی جزء محارم شاهی نبودند (و) خارج بودند، امروز به دروغ خودشان را داخل (و) از قول ناصرالدین شاه بیاناتی می‌کنند، اغلب هم شده (که) روبروی من هم بعضی مطالب را (بیان) می‌کنند و هیچ خجالت نمی‌کنند. مثلاً مطالبی که میانه من و ناصرالدین شاه، اتفاق افتاده است، آنها می‌گفتند که «ناصرالدین شاه به ما همچو گفت». شب و روز، من پیش ناصرالدین شاه، توی اندرون و بیرون بودم. آنها در جلو من از اندرون ناصرالدین شاه صحبت می‌دارند، در صورتی که در بیرون هم چندان محرمیت هم نداشتند. بی‌جهت خودشان را می‌بندند. که ما در آن زمان اهمیت داشته‌ایم، همین‌طور هم بعضی‌ها که احوالات نوشته، فقط غرض رانی کرده‌اند ولی من خاطر قارئین را خاطر جمع (کنم) و قول شرفی می‌دهم که هیچ غرض ...

www.KetabFarsi.com

اتوبیوگرافی عزیزالسلطان

www.KetabFarsi.com

من در سنه ۱۲۹۵، در شب ۲۱ ماه رمضان، در طهران، محله عباس آباد متولد شدم. من پسر میرزا محمد خان ملقب به امین‌الخاقان هستم.

امین‌الخاقان برادر زبیده خانم (امین‌اقدس) بود که یکی از زوجات ناصرالدین شاه بود. خیلی طرفِ میل شاه بود. جواهر آلات و یک مقدار نقدینه و خوارک شاه به دست او بود و بسیار زن امین و درستی بود و مال شاه را خوب جمع‌آوری و ضبط و ربط می‌کرد از این حیث بیشتر طرف تقرب و التفات بود.

اصلاً گروسی^۱ بود. و در اوائل دولت فلان^۲ که حکومت کردستان و گروس با فرهاد میرزا معتمدالدوله^۳ بوده است، ناصرالدین‌شاه از او خدمه خواسته بوده است، او

۱- از شجره‌نامه‌بی که در اختیار این نگارنده است و آن را شخصاً از روی نسخه اصلی عکسبرداری کرده‌ام چنین استنباط می‌شود که طایفه امین‌اقدس خراسانی‌الاصل هستند و از آنجا به گروس مهاجرت کرده‌اند. در شجره‌نامه نامبرده چنین آمده است: «اما بعد، مخفی نمائید بر ائشان رسول صلی الله علیه و آله و شیعیان علی بن ابیطالب علیه آلاف التحية والثناء که این نسب‌نامه‌بی است برای سادات طایفه آقا سید شکرالله خراسانی که به گروس آمده و صاحب کشف و کرامات بوده که نسل بعد نسل، سلسله سند منتهی می‌شود به وجود مبارک حضرت موسی بن جعفر (ع)».

۲- نویسنده در هر جا که تاریخ و نام اشخاص را به یاد نمی‌آورد می‌نویسد فلان...

۳- فرهاد میرزا معتمدالدوله پسر پانزدهم عباس میرزا نایب‌السلطنه در سال ۱۲۸۴ به حکومت کردستان مأمور شد و شورش اکراد را سرکوب کرد. (تاریخ رجال ایران، تالیف مهدی بامداد. ص ۸۸ جلد سوم).



زبیده خانم (امین اقدس) یکی از زوجات ناصرالدین شاه بود. جواهرآلات،
یک مقدار نقدینه و خوراک شاه به دست او بود. و بسیار زنِ امین و درستی بود
از این حیث بیشتر طرف تقرب بود (و) اصلاًگروسی بود...

مسئله

عزیزه ای رسیده که در مدرسه ای است که آنجا را
مدرسه ای می نامند

مدرسه ای که نامش مدرسه است و در آنجا
مدرسه ای که نامش مدرسه است

در آنجا به کلاس می رود و در آنجا
در آنجا به کلاس می رود

در آنجا به کلاس می رود و در آنجا
در آنجا به کلاس می رود

در آنجا به کلاس می رود و در آنجا
در آنجا به کلاس می رود

در آنجا به کلاس می رود و در آنجا
در آنجا به کلاس می رود

در آنجا به کلاس می رود و در آنجا
در آنجا به کلاس می رود

Handwritten notes on the right side of the page, including the number 14 and other illegible text.

متن نامه ناصرالدین شاه قاجار به میرزا محمّدخان امین‌الخاقان، پدر عزیزالسلطان

(کلیشه صفحه ۲۵)

میرزا محمدخان

عریضه شما رسید، از سلامتی امین‌اقدس بسیار بسیار خوشحال شدیم. الحمدلله حرکت نافع شده است و سلامتی وارد اوشان شده‌اند. فردا راه به لشکرگ گردنه دارد. لذا آن گردنه هم انشاءالله سلامتی باید خیلی باآرامی بگذارید. به «شیخ» و «فخر» (و «ناظم»، همه، التفات ما را برسان. احوال بهرام‌خان را بپرس، خیلی هم زحمت کشیده‌اند، انشاءالله تلافی می‌شود. در ورود سلطنت آباد، فرادیش آن چهار نفر طبیب را هم که سیاهه دادم بیاورید امین‌اقدس را ببینند. اگر چه «فخر» و «شیخ» حقیقتاً بسیار بسیار خوب معالجه کرده‌اند و خیلی زحمت کشیده‌اند. همه روزه احوالات را بنویس بده بیاورند، بخصوص ورود لشکرگ و سلطنت‌آباد را زود عرض کن که از گردنه‌ها چطور گذشتید.

این نامه را ناصرالدین شاه در زمانی نوشته است که چشم پزشکان ایرانی و خارجی دربار، مشغول مداوای «امین اقدس» بوده‌اند و شاه از پیشرفت معالجات سخت خوشحال به نظر می‌رسد، از این نامه استنباط می‌شود که دست‌کم، هفت پزشک مشغول معالجه چشم همسر محبوب او بوده‌اند. البته معالجات سرانجام سودمند نیافتاد و شاه «امین اقدس» را به پایتخت اتریش فرستاد. در آنجا نیز معالجات مؤثر نشد و سرانجام درحالی‌که بکلی از نعمت بینائی محروم بود با تشریفات تمام عیار ورود یک ملکه، به تهران بازگشت.

امین اقدس رازگروس برای ناصرالدینشاه می فرستد. زعفران باجی که آن وقت او صندوق خانه اندرون و جواهر آلات و خوراک شاه به دست او بود و خیلی طرف توجه و پرستار شاه بود، امین اقدس را به دست او سپرد که تربیتش نماید. این درست مطابق بود با اواخر صدارت میرزا آقا خان نوری^۱.

بعد از یک سال امین اقدس را صیغه^۲ می فرمایند. چون خیلی خوش خدمت و مواظب شاه بود از آن زمان طرف التفات واقع می شود. در همان زمان در موقعی بوده است که فروغ السلطنه^۳، معروف به جیران طرف توجه و التفات بود؛ یعنی اواخر او بوده که دو ولیعهد و دخترش مرده بودند. هر وقت شاه منزل فروغ السلطنه می رفته است،

۱ - قتل امیرکبیر در سال ۱۲۶۸ اتفاق افتاد و صدارت میرزا آقا خان نوری تا سال ۱۲۷۵ ادامه داشت.

۲ - ناصرالدین شاه، روزی که کشته شد ۸۵ زن داشت. گلین خانم نخستین زن عقدی شاه در زمان ولیعهدی بود. زنان عقدی دیگر عبارت بودند از: مشکوه السلطنه، مادر مظفرالدین شاه که نوه فتحعلیشاه بود (دختر شعاع السلطنه)، سرور السلطنه دختر عمادالدوله نوه فتحعلیشاه، و جیران ملقب به فروغ السلطنه که تجربی بود. صیغه های محترم عبارت بودند از: زینت السلطنه مادر سالار السلطنه - بدر السلطنه، مادر رکن السلطنه - اختر السلطنه خواهر شاهزاده اکتافان - شمس الدوله دختر عضدالدوله پسر فتحعلیشاه (خواهر عین الدوله) - انیس الدوله که زن محبوب شاه و در حقیقت ملکه بود. امینه اقدس که فرزندی نداشت - غنم السلطنه مادر ظل السلطان - منیر السلطنه مادر کامران میرزا نایب السلطنه - ندیم السلطنه مادر خانم ضیاء السلطنه که زن امام جمعه تهران شد - خانم والی زاده که دخترش بعدها زن مجدالدوله شد - خازن الدوله که دودختر داشت به نام های فخرالدوله که بعدها زن مجدالدوله شد و دیگر فروغ الدوله مشهور به ملکه ایران که زن میرزا علی خان ظهیرالدوله شد - و جیه الدوله مادر اخترالدوله که زن غلامعلی خان عزیز السلطان (ملیجک ثانی) شد. (یادداشت هایی از زندگانی خصوصی ناصرالدینشاه، دوستعلی خان معیر الممالک، نشر تاریخ ایران).

۳ - «جیران دختری زیبا از اهل تجریش بود. چشمانی گیرا داشت که از هر بیننده دل می ربود. جیران از شاه دو پسر آورد که هر دو ولیعهد خوانده شدند، ولی در کودکی از دست رفتند. پدرم دوست محمد خان، از دستگاه عظیم و شکارهای جیران در جاجروود برایم حکایت می کرد که هنگام سواری چکمه به پا می کرد و رو بند را گرد سر پیچیده به چالاکتی بر زین می نشست.... در شکارگاه، قوش مخصوص خود را که غزال نام نهاده بودند به دست می گرفت و به هر کس که صیدش را سر می برد یک امپریال می بخشید... جیران در جوانی به بیماری درمان ناپذیری مبتلا آمد. شاه روزی چندبار و هر بار چند ساعت در کنار بستر بیمار محبوبش می نشست و بیشتر داروها را به دست خویش به وی می خوراند. سرانجام حالتش به وخامت گرایید و پزشکان در علاجش فرو ماندند... ناصرالدینشاه هرگز لقب جیران و اجازه سکونت در عمارت او را به کس نداد. تا شاه را جان بود مهر جیران از دل برون نشد و روزی که در حرم حضرت عبدالعظیم هدف تیر... گشت دست بر زخم سینه زنان، خود را به آرامگاه جیران رسانید و در کنارش جان داد و هیمنجا به خاک سپرده شد.»

یادداشت هایی از زندگانی خصوصی ناصرالدینشاه، دوستعلی خان معیر الممالک، نشر تاریخ ایران.

امین اقدس هم منزل او می‌رفته برای کارهای شاه، دیگر از خدمه‌ی حَرَم، حق رفتن به منزل او را نداشته است و جای شاه را او جمع آوری می‌کرده است.

بعدها معلوم شد که امین اقدس^۱ سیده هم هست. بعد از چهار پنج سال، امین خاقان راهم، که برادر امین اقدس بود، از گروس خواست، او هم آمد غلامبچه شد. او هم در همان اول ورود، خدمتی که راجع به او بود از همه بهتر انجام می‌داد. یک روز یکی از غلامبچه‌ها چند گنجشک از یک لانه در می‌آورد. امین الخاقان مواظب بوده است، عصر که شاه به حرم می‌آید. امین الخاقان اسم گنجشک از خاطرش رفته بود، چون که گزوسی‌ها به گنجشک ملیجک می‌گویند همچو به عرض می‌رساند که: ملیجک‌ها رافلانی از لانه‌اش در آورده. چون امین خاقان کلمه ملیجک را به یک طرز خوش و یک لهجه‌ی می‌گوید که اسباب تفریح خاطر شاه می‌شود، از همان تاریخ شاه همیشه به امین الخاقان ملیجک می‌فرمایند (و) این لقب خانوادگی از برای ما شده، چنانچه من هم به همین لقب مفتخر بودم. در زمان غلام بچگی امین الخاقان، خیلی‌ها غلام بچه بودند و بعدها ترقیات فوق العاده کردند: حسین خان مَحَرَم خلوت، آن زمان غلامبچه باشی بود؛ مخیرالدوله، صدیق السلطنه، معین السلطان و خیلی‌ها که خاطر من نیست با امین الخاقان همقطار و غلامبچه بودند. تا او آخر، امین الخاقان را ملیجک می‌فرمودند.

۱ - شجره‌نامه‌ی که در اختیار نگارنده است امین اقدس را با ۲۱ واسطه به حضرت امام موسی بن جعفر (ع)

رسانده، می‌نویسد:

«شرح حالات بعضی از سلسله سند که در شجره‌نامه جناب سلاله الطیبات آقا سید بهرام نوشته شده بود این است که یکی آقا سید شکرالله است... که از جمله سادات جلیل‌القدر بودند. چون از خراسان به گروس آمدند و اقامت فرمودند لذا از ایشان سه نفر اولاد ذکور به عرصه وجود آمده که اولاد اکبر آقا سید بابر است که در شریف آباد از فراه گروس است. هر شکاف فرسنگی مخفی شدند والان اهالی گروس به آن محل جمع شده قربانی‌ها می‌نمایند.»

شجره عطفی مورخ ربیع الثانی ۱۳۲۱

Nr. 16 A. Teheran, 21. Juli 1894.

Ritter von Schlessl.

Hofnachrichten.

Vor einigen Wochen ist hier Emine Agdass, eine der Frauen Seiner Majestät des Schah im Alter von 60 Jahren gestorben. Sie war eine Tante des Aziz, des vielgeliebten Lieblings des Schah und hatte sich vor einigen Jahren zum Zwecke einer Augenoperation nach Wien begeben gehabt. Emine Agdass gehörte nicht zu der Zahl der rechtmässigen Frauen des Schah, besaß aber Seine besonderes Vertrauen, so daß sie die Oberaufsicht über den Privatschatz Seiner Majestät übertragen erhielt.

Ihr Tod ging dem Schah sehr nahe, so daß Er unmittelbar nach ihrem Ableben in ein anderes Schloss übersiedelte.

Ein anderes Ereignis erschütterte das Gemüt Seiner Majestät jedoch in höherem Masse, Es ist dies das an dem Präsidenten der französischen Republik Herrn Carnot verübte Attentat der Anarchisten. Seine Majestät erinnerte sich sofort, wie ich indirekt erfahre, der Sekte der Babi und die Möglichkeit, daß Ihm von dieser Seite ein ähnliches Schicksal zgedacht sein könnte, versetzte höchstenselben in nichte geringe Unruhe.

Der Gesundheitszustand Seiner Majestät ist seit einiger Zeit nicht vollkommen befriedigend. Um Seine jugendlichen Neigungen auch jetzt noch genügen zu können, nimmt der Schah zu kräftigenden Mitteln Seine Zuflucht, und die Folge davon sind Schwindelanfälle und Congestionen.

Am 16. d.Mts hat Seine Majestät in Begleitung des Grossvezärs die Umgebung Teherans verlassen um Seine Sommertournee zu beginnen, die an sechs Wochen dauern dürfte.

....

Schlessl.

شماره ۱۶ آ

تهران ۲۱ جولای ۱۸۹۴

ریترفون شیسل

اخبار دربار

در چند هفته قبل خانم امین اقدس که یکی از زنهای اعلیحضرت می باشد در سن ۶۰ سالگی درگذشت، او یکی از عمه های «عزیز»^۱ است. امین اقدس بی اندازه مورد علاقه و احترام شاه بود و همان کسی است که چندین سال پیش جراحان «وین» چشم او را عمل کردند. امین اقدس اگرچه در رده زنهای عقدی شاه نبود اما در حد اعلی، مورد اعتماد بود و او در حرم شاه و زندگی خصوصی او بالاترین مقامی بود که مراقبت از او را بر عهده داشتند، به این جهت مرگ او به شاه بسیار گران آمد بطوری که شاه برای رهائی از این بحران روحی قصر مسکونی خود را تغییر داد. یک واقعه دیگر که آرامش شاه را بیش از پیش برهم زده است واقعه ترور رئیس جمهور فرانسه آقای «کارنو» است که از طرف «آناشیت»های فرانسه مورد سوء قصد قرار گرفت. شاه که بر اثر اطلاعات محرمانه خود می داند ممکن است در معرض چنین سوء قصدی قرار گیرد فوراً به خاطر آورد که ممکن است نظیر این سوء قصد از سوی یک گروه مذهبی^۲ متوجه او گردد. لذا این خیالات آرامش او را برهم زده است و از سوی دیگر وضع عمومی اعلیحضرت

از مدت‌ها پیش وخیم است و به هیچ وجه رضایت‌بخش نمی‌باشد. شاه در برابر ارضای تمایلات دوران جوانی و هوسهای امروزی‌اش، خود را ناتوان می‌بیند و این بحران روحی او را به صورت یک شخص منزوی درآورده است و او در حالت سر درگمی و گیجی توأم با خیالات فکری بسر می‌برد.

در شانزدهم همین ماه، اعلیحضرت در حالی که وزیراعظم او را همراهی می‌کرد، حومه تهران را ترک کرده، مسافرت خود را شروع می‌کند و این مسافرت ۶ هفته به طول خواهد انجامید.



وزارت امور خارجه
موزه شهر
نمبر

مراد و نشان نواب عليه بن امير خان دست دراز

حکم نشان شریف ایشان سامی مکان سلطان طبرای غرای جمال
است که مفضل اردوی همون موکانه مادریا که داشته
اثر حجت و مولات و صفات کامله که تینا فیما بین سلطان
ما حضرت می مرت و عالی نعت علی شاهر ارا
جاریت برای آنکه شاه مخصوص اراں بوده باشد خوب
اردلان شینه شهر مارانه ما که همه شرف و ای شرف
دیده در کرده است مکتوبه اردو اول شان فرود افش
شفقت و در حق فحار اینا همه است بن امیر خان که در
عصمت آرام شاهش به ماشه عطا و ارا ارا
کارم شاهزاده ما شرف عطا را شرفه در رفت
۱۵۲۰ هر چه سینه تمام مطبوعه محمد آقچه



ندانکه که دین در مس اوست خود مهر و خاتم نبوت

سعه و اندر دهر بیست و یکم که ظاهر با کلمه و در همه کس است

وینست در دهنش خود مهر و خاتم نبوت و در دهنش

به تبار خاص مهر و خاتم نبوت و در دهنش

آفتاب مکتوبه الماس و مهر و خاتم نبوت است

مهر و خاتم نبوت و در دهنش



متبره پیا شد می طلبند و بخواج و مطالب خود می رسند
 و همه ساله در سر ترش می روند و زیارت میکنند
 و قربانچها بنمایند ولی متبره خود مرحوم
 اقا سید شکر الله محضی است و معلوم نیست
 و ارجباب اجل اقای امین خاقان دامت شوکت
 فعلاً هست نفر اولاد و کور او اما معلوم و
 مشخص است پنجم سر و سه نفر و حرم و اساتید
 پس با اقرار مفصله ذیل است

امیر خانبهادر سید علی رضا خان در قلم اولم و دوم و سوم و چهارم از آن بزرگواران هستند که در آن زمان
 در سید حسن خان و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم از آن بزرگواران هستند
 در هر روز قلم کرده و در باره وضع سید در شرح ۴ سال از قلم در شرح ۱۳۲۱



امیرالامراء العظام، امیر تومان میرزا محمد خان
(امین الخاقان)



بسم الله الرحمن الرحيم
فرمان پانصد تومان اضافه واجب در حق امیرالامراء العظام آقا میرزا محمد
خان امیر پنجه پیشخدمت خاصه همایونی.

نصفه سبب انعام و کرامت از طرف دولت کبری و کرم و سعادت کبری
و کرم و سعادت کبری و کرم و سعادت کبری و کرم و سعادت کبری

سید تیمور علی خان و دیگران که در خدمت کبری و کرم و سعادت کبری
و کرم و سعادت کبری و کرم و سعادت کبری و کرم و سعادت کبری

کتابخانه
موزه و مرکز اسناد
سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

فرمان پانصد تومان اضافه واجب در حق امیرالامراء العظام آقا میرزا محمد
خان امیر پنجه پیشخدمت خاصه همایونی.

ORDRE NATIONAL DE LA LÉGIION D'HONNEUR.



HONNEUR.

PATRIE.

Le Grand Chancelier de l'Ordre National de la Légion d'Honneur
confère par ses Lettres du ... des ...

Le Président de la République Française
a nommé à Mirza Mahommed Alias, Capitaine de 1^{re} classe de
la Majesté le Shah de Perse
le Doyen de l'Ordre National de la Légion d'Honneur.
Paris le 7 ...

L. F. ...

Le Grand Chancelier
L. F. ...

Le Grand Chancelier
L. F. ...

www.KotabFarsi.com

میرزا محمد خان سرتیپ اول در سفر فرنگ به دریافت نشان معروف
«لژیون دُنور» مفتخر گردید.